

## جهان پس از مرگ از دید مولانا

### مهدی سیاح زاده

مولوی در داستان پیر چنگی نقل کرده است که وقتی پیر چنگی در گورستان روی گوری به خواب رفت، جانش از زندان تن رها شد. آزاد و بی رنج و غم در عالم غیب (جهان ساده) به گشت پرداخت.

گشت آزاد از تن و رنج جهان  
در جهان ساده و صحرای جان  
جان او آنجا سرایان ماجرا  
کاندر اینجا گر بماندندی مرا  
خوش بدی جانم درین باغ و بهار  
مست این صحرا و غیبی لاله زار  
بی سر و بی پا سفر می کردمی  
بی لب و دندان شک می خوردمی

۲۰۹۰/۱

همانطور که در مقاله «خواب از دیدگاه مولوی» نوشتیم، مولوی معتقد است که خواب، عالم دیگری است. عالمی که هنوز انسان به کیفیت آن پی نبرده است. در آن حال، «جان» (البته نه روح) از تن جدا می شود و به جهان دیگر سیر و سفر می کند.

اینجا مولوی به همین مختصات جهان پس از مرگ اشاره می کند و آن را به ما می نمایاند. می گوید وقتی پیر چنگی به خواب رفت، خود را در چنان جهانی آزاد دید که آرزوی آن را داشت. جایی که باغ بود و لاله زار. جایی که حرکت بی هیچ زحمتی انجام می پذیرفت (بی سرو بی پا). خوردنی وجود نداشت و اگر بود، بدون دهان و دندان این کار صورت می پذیرفت. هیچ فکری و رنج و دردی نبود.

پیر چنگی دیگر به چشم تن نیازی نداشت زیرا با چشم بسته، (همانطور که در خواب هستیم)، عالمی را مشاهده می کرد. بدون دست، گل (ورد) و ریحان می چید. این مرغ آبی (جان) در دریای عسل غرق شده بود. چرا دریای عسل؟

زیرا عسل سمبل شیرینی و شادکامی است. کسی که شادکام است، از غم و غصه و فکر زاید رسته است.

مولوی در بیکرانی و عظمت اسرار آن جهان می گوید: عالم غیب، چنان فراخ و گسترده است، آن چنان اسرار و راز و رمز های بیکرانی دارد که اگر مثنوی به حجم همه ی کائنات و آسمان ها و ستارگان باشد، باز فقط می تواند برخی از آن را بازگو کند.

در چنین حالتی بود که پیر چنگی آرزو می کرد، ای کاش در آن جهان آزاد و دور از درد و غم باقی می ماند:

چشم بسته عالمی می دیدمی

ورد و ریحان بی کفی می چیدمی

۲۰۹۵/۱

چرا پیر چنگی، در طول این هفتاد سال زندگی خود، چنین جایی را در رویاهایش ندید؟ مولوی می گوید: زیرا که در آن هنگام گرفتار دنیا بود. گرفتار تحسین و تکریم هواخواهانش بود. همان گونه که شاه داستان پادشاه و کنیزک، تا هنگامی که به دنیا چسبیده بود و حتی برای درمان کنیزک با آوردن طیبیان، به دنیا روی آورده بود، چنان رویایی ندید.

پیر چنگی نیز در این داستان، وقتی از دنیا برید، وقتی  
مانند آن پادشاه، با خلوص نیت، به جهان معنویت روی آورد،  
«رویای صادق» به سراغش آمد. بریدن از دنیا به معنی دوری از  
نعمت های این جهان نیست. می توان هم دنیا را داشت و هم  
عقبی را. اما باید مانند حضرت ایوب با داشتن مال و منال دنیا،  
ایمان تردید ناپذیر به حق داشت.

مرغ آبی، غرق دریای عسل

عین ایوبی، شراب و مغتسل

۲۰۹۶/۱

وقتی پیر چنگی به خدا روی آورد، در عالم خواب،  
مرغ جان (مرغ آبی) او در دریای عسل غرق شد. مانند ایوب  
که با شستشو (مغتسل) در چشمه ی شفابخش، از همه ی  
بیماری ها بهبودی یافت.

\*\*\*